

## کنفرانس گلاسکو نوامبر 2021، COP26

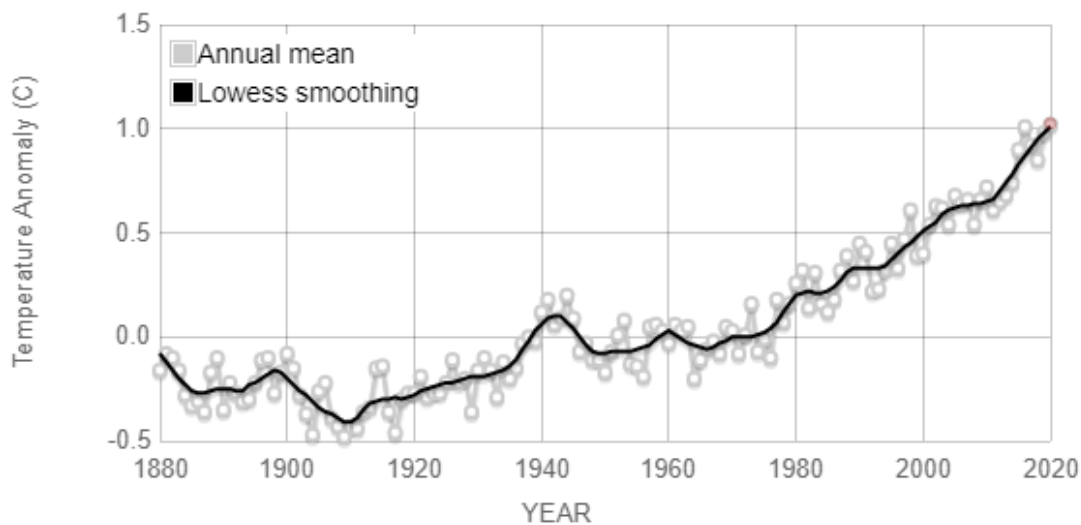
سران 200 دولت سرمایه در 1 نوامبر 2021 در گلاسکو بریتانیا به دور هم جمع شدند تا طی نزدیک به دو هفته با سخنرانی‌های پر طمطراق و صدور آفیش‌های پرفریب، زشت‌ترین دروغ‌ها را در لفاف تصمیم برای مقابله با گرمایش زمین!! تحویل کارگران دنیا دهند. آنها این بار نیز با وجود محدودیت‌های ناشی از پاندمی کووید 19 در سطح رؤسای جمهور، مدیران و حاکمان سرمایه اجتماع کردند و با وجودی که توان ایجاد هیچ محدودیتی برای سرمایه نداشتند و اهل چنین کاری نیز نبودند، اما با زبان بی‌زبانی، دروغ‌ها و فریبکاریهای سرمایه‌داران و دولت‌ها را در مورد اینکه گویا به مسائل محیط زیست انسان‌ها می‌اندیشند! درصدد مهار افزایش گرمای زمین در سطح 2 درجه تا سال 2100 را در برنامه کار دولت‌ها قرار می‌دهند! این در حالی است که همین گروه در بیش از چند ده جلسه و کنفرانس بین‌المللی و از جمله در بزرگترین آن کنفرانس پاریس سال 2015، سخنرانی‌هایی که گوش کارگران جهان را کر می‌کرد، قول و قرارهایی گذاشتند که هیچکدام عملی نشد و نیز قرار نبود جامع عمل بپوشد. براساس تحلیل برنامه محیط زیست سازمان ملل (UNEP) در اکتبر 2021 جهان در مسیر افزایش ۲.۷ درجه ای دما قرار دارد. در حالی که همین تخمین نیز بسیار خوشبینانه است. گرمای زمین هم اکنون 1.2 درجه از 1880 بیشتر است (نمودار 1). بیشترین افزایش این حرارت نیز در همین دهه اخیر رخ داده است. این روند اگر با این سرعت پیش تازد تا سال 2100 به 4 درجه خواهد رسید. چند درجه افزایش حرارت به نظر زیاد نمی‌آید، اما همین حالا ما شاهد تأثیرات مخرب و فاجعه‌بار افزایش مثلاً ناچیز یک درجه ای هستیم. دو درجه افزایش حرارت زمین در سال 2035 واقعیت خواهد یافت. قبل از هر چیز باید گفت که این افزایش در نقاط مختلف جهان با اندازه‌های متفاوت رخ می‌دهد. قطب شمال شاهد 10 درجه افزایش گرما خواهد شد. بسیاری از نقاط زمین غیرمسکونی خواهد گردید، چیزی که هم اکنون در کالیفرنیا و بخش‌هایی از آفریقای شرقی و بسیاری جاها شاهد آن هستیم. دلایل آن به شرح زیر است: مقدار گاز کربنیک ناشی از ترافیک، کارخانجات، نابودی جنگل‌ها (که می‌توانست مقدار زیادی از گاز کربنیک را جذب کند) و غیره هر ساله بیش از سال پیش در حال افزایش است و به همین دلیل غلظت آن در جو زمین افزایش می‌یابد (نمودار 2 و 3). این‌ها داده‌های حقیقی هستند در حالی که سخنگویان دولت‌های سرمایه در کنفرانس‌های تاکتونی‌شان هنوز موفق نشده‌اند بطور رسمی حتی جمله‌ای دال بر ارتباط افزایش حرارت زمین با سوخت‌های فسیلی بگنجانند. شیادی و حقه‌بازی سیاستمداران، دولتمردان و حتی برخی سازمان‌های محیط زیستی تا بدان جا پیش رفته است که وانمود می‌کنند در حال مجاب کردن یکدیگر در این امر هستند و این در حالی است که از مدت‌ها پیش برای بیشتر کارگران جهان این جنایت فجیع سرمایه‌ها چنان که ارزش افزایی سرمایه به ازاء فقر و سیه‌روزی کارگران چون روز روشن بوده است. اینان در فکر ارتباط ماهوی، آهنین، خلل‌ناپذیر و غیرقابل‌گریز موجودیت سرمایه‌داری با فجایع زیست‌محیطی، کل‌نسل‌کشی‌ها، جنایت‌ها، هولوکاست‌ها، گرسنگی‌ها، آوارگی‌ها، بی‌خانمانی‌ها، دیکتاتوری‌ها و بشرکشی‌ها نیستند و در باره این ارتباط سرشتی ارگانیک سکوت مطلق اختیار می‌کنند. در این کنفرانس‌ها و مجالس مشابه چنان که رسم بوده سرمایه‌سختن می‌گوید و گویندگانش از بوریس جانسون تا بایدن و همه مدیران سرمایه‌عریان، وقیح و شنیع تصریح می‌کنند که تا این جا و این روز از ابعاد فجایع اطلاعی نداشته‌اند و گویا قرار است از این به بعد بفرار باشند!! شیادی این مدیران سرمایه تا بدان جا پیش رفته که حتی منکر اطلاع و شناخت داده‌های غول‌های نفتی می‌شوند. پوسیدگی، انحطاط و انسان‌ستیزی سرمایه‌داری اوج کهکشان‌ها را پیموده است و در این روزها بر هیچ کارگری پوشیده نیست، که مسبب همه فجایع محیط‌زیستی سرمایه و روابط کار مزدی است. اسنادی که مطابق آنها شرکت‌های صنعت انرژی نظیر کمپانی شل، اکسون و بی‌پی از قبل می‌دانستند که بین محصولات آنها و گرم شدن کره زمین پیوندی برقرار است. در حدود 40 سال پیش شرکت‌های نفتی مثل اکسون و شل ارزیابی‌هایی در خصوص دی‌اکسید کربن تولید شده از سوخت‌های فسیلی آن‌ها و پیامدهای انتشار آن برای کره زمین انجام دادند. برای مثال در سال 1980 شرکت اکسون پیش‌بینی کرده بود که تا سال 2060 سطح گاز دی‌اکسید کربن به 560 جز در میلیون (ppm) خواهد رسید یعنی دوبرابر سطح دوران پیش از ظهور و گسترش سرمایه‌داری صنعتی و این امر موجب می‌شود که دمای متوسط کره زمین تا حدود 2 درجه در مقایسه با دوران پیش از گسترش سرمایه‌داری صنعتی افزایش پیدا کند. فقط چند سال پس از آن یک گزارش داخلی در کمپانی شل از پیامدهای یکسانی خبر می‌داد، اما مطابق گزارش شل رسیدن به این سطح حتی ممکن بود زودتر یعنی تا سال 2030 اتفاق بیفتد. این شرکت‌ها شکی نداشتند که پیوندی میان محصولات آنها، گرم شدن کره زمین و صدمات محیط‌زیستی ناشی از آنها برقرار است، چرا که تحقیقات آنها نشان دهنده این پیوند بود. مطابق ارزیابی شرکت شل پیش‌بینی می‌شد که سطح آب دریاها جهان یک متر بالا بیاید، و گرم شدن کره زمین همچنین ممکن است به از بین رفتن لایه‌های یخی قطب جنوب بیانجامد (چیزی که در حال حاضر شاهد آن هستیم)، که به بالا آمدن سطح آب دریاها در سرتاسر کره زمین در حد «پنج تا شش متر» منجر خواهد شد. در کنفرانس پاریس در سال 2015 گفته می‌شد تا آن موقع جهت کنترل افزایش بیش از دو درجه حرارت زمین، بیش از نیمی از بودجه تعیین شده در مورد گاز کربنیک مصرف شده بود. حتی اگر آن وقت شروعی برای کاهش استفاده از سوخت‌های فسیلی می‌بود می‌بایست تا سال 2030 استفاده از این سوخت‌ها پایان یابد!! در غیر این صورت سناریوی افزایش 4 درجه حرارت (scenario RPC8.5) تا سال 2100 سناریوی واقعی خواهد بود. اسیدی شدن آب دریاها که نتیجه حل شدن نزدیک به 80 درصد گاز کربنیک در آب‌های جهان و تشکیل اسید کربنیک در آن هاست، یکی

از این تغییرات مهلک است. گرم شدن زمین و تغییرات بارانی در مناطق مختلف کره زمین به صورت یکسان انجام نمی گیرد. 2 و یا 4 درجه افزایش متوسط حرارت زمین تا سال 2100 به معنای تغییرات گوناگون حرارت در نقاط مختلف زمین است. و این در عمل به نابدی کامل یخهای قطبی خواهد انجامید. همین طور در مورد تغییرات بارش بر سطح زمین، هم اکنون سناریوی هولناکی روی می دهد. در قطبین زمین درصد باران بیشتری می بارد و هم زمان بخشهای بزرگی از سطح زمین به صحرا و بیابان غیر قابل زندگی تبدیل گردیده است. از طرف دیگر بخش هایی از جهان، سواحل رودخانه ها و دریاها که صدها میلیون کارگر فقیر در آنها ببتوته می کنند دستخوش امواج سهمگین تر می گردند و سناریوی هر چه نزدیک تر آن به زیر آب رفتن این مناطق و پایان زندگی این جمعیت عظیم نفرین شده جهنم سرمایه داری خواهد بود. هم اکنون توده های کارگر ساکن این مناطق هزاران بار در معرض سیل، گرمای کشنده، فاجعه های هوایی و دریایی خانمان برانداز و طوفان های هر چه شدید تر قرار می گیرند. محافظان محیط زیست در استرالیا در ژانویه 2020 برآورد کردند در نتیجه آتش سوزی های گسترده (معروف به مگابرناند) در استرالیا که حدود 1.25 میلیارد حیوان به صورت مستقیم یا غیرمستقیم توسط آتش سوزی های گسترده در این کشور تلف شدند. 5.5 میلیون هکتار زمین طعمه آتش سوزی شد که برابر با مساحت جزیره ایرلند است و هم اکنون مناطق وسیع جنگلی در این کشور پهناور به بیابان تبدیل گردیده است. سازمان زمین شناسی و اکتشافات معدنی ایران در بهمن 1399 از وجود ۹۰ درصد دشت های ایران «از حالت تعادل خارج شده است» خبر داد. این سازمان وضعیت را «بحرانی بزرگ برای کشور» عنوان کرد و گفت: «از سال ۸۹ تا ۹۳، ۱۵۰ دشت کشور حوزه آبخوان ندارند و عملاً ۱۰ درصد از حوزه های آبخوان دشت هایی هستند که در حالت تعادل در آن ها برقرار است». این سازمان اعلام کرد ایران در حال حاضر در «کمر بند خشک دنیا»، قرار دارد و نسبت به افزایش فرونشست زمین در ایران هشدار داد و گفت: «با کاهش بارش ها، با کاهش آب مواجه ایم و این امر پدیده فرونشست را ایجاد می کند ضمن آنکه یکسری از دشت ها نیز خشک می شود و این تبدیل به کانون های گرد و غبار خواهد شد». به گفته این سازمان، ایران به لحاظ طبیعی سرزمینی مخاطره خیز است «به گونه ای که گفته می شود از ۴۳ مخاطره طبیعی که در دنیا شناخته شده است، ۳۴ مخاطره آن در ایران رخ می دهد». بنا به اعلام سازمان جهانی هواشناسی، گرمترین بیست سال ثبت شده در تاریخ، در دوره زمانی ۲۲ ساله اخیر روی داده است. در سال 2019 در نیمکره شمالی حدود 400 بار دماهایی ثبت شد که بالاترین دمای ثبت شده در تاریخ بودند. در 29 کشور بین اول ماه مه و سی ام ماه اوت رکورد دما شکسته شد. یک سوم همه این دماهای بالا در آلمان ثبت شد و فرانسه و هلند در مقام های بعدی قرار داشتند. علاوه بر گاز کربنیک گاز متان نیز روندی تصاعدی دارد و بر حجم آن در فضا افزوده می گردد. میزان غلظت گاز متان بر اساس ذره در میلیارد هوای خشک (ppb) از داده های سه مرکز اندازه گیری جهانی بین سال های 1984 تا 2020. غلظت این گاز در سال 2015 یعنی در مقطع قرار داد پاریس حدود 1850 ذره در میلیارد بود و در سال 2020 به حدود 1900 ذره در میلیارد (ppb) افزایش یافته است. این افزایش از 2019 تا 2020 بیشتر از سال 2018 تا 2019 و همچنین بالاتر از میانگین نرخ رشد سالانه در دهه گذشته بوده است. اکسید نیتروژن یا نیتروز (Nitrous gas) هم یک گاز گلخانه ای قوی است و هم از بین برنده لایه ازن. حدود 7 درصد از تشعشعات ناشی از گازهای گلخانه ای طولانی مدت را تشکیل می دهد. میانگین جهانی کسر خالص  $N_2O$  در سال 2020 به 333.2 ppb رسید که نسبت به سال 2019 1.2 ppb افزایش یافته است. افزایش سالانه از 2019 تا 2020 بیشتر از افزایش از 2018 تا 2019 و همچنین بالاتر از میانگین نرخ رشد بیش از 10 سال گذشته است. در کنفرانس های آب و هوایی رسم است که دولت های سرمایه و موسسات آن ها به برخی از هم پیمانان استراتژیک خود مدال های افتخار می دهند و برخی دولت ها را مسبب وضعیت فلاکتبار معرفی می نمایند. در شاخص حفاظت از آب و هوا در سال آینده که توسط دو موسسه سرمایه منتشر شده کشور های نروژ، سوئد و بریتانیا به ترتیب در صدر جدول کشورهای هستند که سیاست زیست محیطی خوبی را اجرا می کنند!! ببینیم این در واقعیت چگونه است. این در حالی است که سوئد طبق گزارش سازمان حفاظت طبیعت این کشور سالانه به اندازه کل دی اکسید کربن تولید شده توسط خودرو های موجود این کشور همین مقدار گاز کربنیک را از مناطقی که درختان جنگلی آن بوسیله حوزه جنگل سرمایه اجتماعی آن قطع می شوند، به فضای زمین می فرستد و علاوه بر این مقدار زیادی گاز متان از این مناطق ساطع می شود. علاوه بر این سوئد سالانه مقدار زیادی پوده یا تورب (پوده یا تورب به توده متراکم قهوه ای تا سیاه رنگ خزه ها و گیاهان که به طور ناقص تجزیه شده اند گفته می شود. پوده معمولاً در زمین های بسیار مرطوب و در مناطق معتدل و سردسیر جهان به وجود می آید و به عنوان سوخت به کار می رود، پوده مرحله نخست تشکیل زغال سنگ است که از غلظت کربن زیادی برخوردار می باشد، این توده در مسیر تکامل خود علاوه بر گاز کربنیک گاز متان نیز تولید می کند) به کشورهای همسایه نظیر فنلاند و نروژ و سایر کشورهای اروپایی صادر می کند. علاوه بر این از جنگل های طبیعی سوئد چیزی کمتر از 10 درصد باقی مانده و آن چه بعنوان جنگل دیده می شود کشاورزی صنعتی جنگلی است که هم کود شیمیایی، هم آفت کش های خطرناک و هورمونی نظیر (phenoxyacetic acid) در آن مصرف می شده و می شود و همه این عوامل دست به دست هم داده باعث کاهش شدید حیوانات اعم از موجودات ریز تا پرندگان، جوندگان و حیوانات بزرگ جنگلی این کشور گردیده است. با سیاست جنگلی سرمایه داری که از مدت ها پیش در دستور کار است عملاً سیستم کاشت، داشت و برداشت با زمان بسیار کوتاه باز کشت سرمایه بجای 20 تا 30 سال و حتی بیشتر در گذشته دورتر اکنون تلاش در جهت برداشت یکساله است (در پایان این فصل به وضع ناهنجار جنگل کاری سوئد باز خواهیم گشت). تحقیقات جدید نشان می دهد که بعضی از حفاظت شده ترین جنگل های جهان بیش از آنکه کربن جذب کنند، تولیدکننده کربن هستند و جنگل های سوئد از این دسته اند. این جنگل های حفاظت شده به این دلیل به تولیدکننده کربن تبدیل شده اند که در معرض آتش سوزی های گسترده، قطع

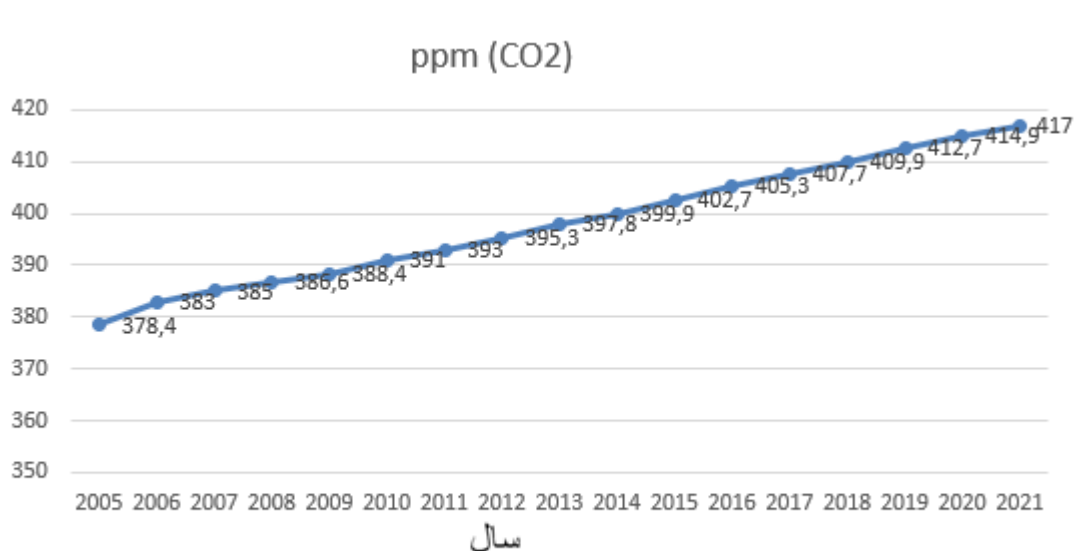
درختان و کشت متغایر با ساختار جنگل در دو دهه گذشته بوده‌اند. دست‌کم ۱۰ جنگل که در فهرست میراث جهانی یونسکو ثبت شده از جمله پارک ملی یوسیمیتی در ایالت کالیفرنیا آمریکا در دو دهه گذشته به تولیدکننده کربن بدل شده است. داده‌های رسمی نشان می‌دهد روند نابودی جنگل‌های آمازون در برزیل به بالاترین میزان در بیش از ۱۵ سال اخیر رسیده است. گزارش آژانس فضایی برزیل (اینپه) در ماه نوامبر ۲۰۲۱ نشان داد که شدت نابودی جنگل‌ها در یک سال اخیر ۲۲ درصد افزایش یافته است. براساس تازه‌ترین داده‌ها حدود ۱۳ هزار و ۲۳۵ کیلومتر مربع از این جنگل‌ها در دوره ۲۰۲۰-۲۰۲۱ نابود شد که بالاترین رقم از ۲۰۰۶ به این طرف است.

## GLOBAL LAND-OCEAN TEMPERATURE INDEX

Data source: NASA's Goddard Institute for Space Studies (GISS). Credit: NASA/GISS



نمودار 1 با در نظر گرفتن اختلاف بین 1.02 درجه (سال 2020) و -0.16 درجه (سال 1880) 1.18 درجه بدست می‌آید. ده سال گذشته گرم‌ترین دوران تاریخ ثبت شده بشر بوده است.

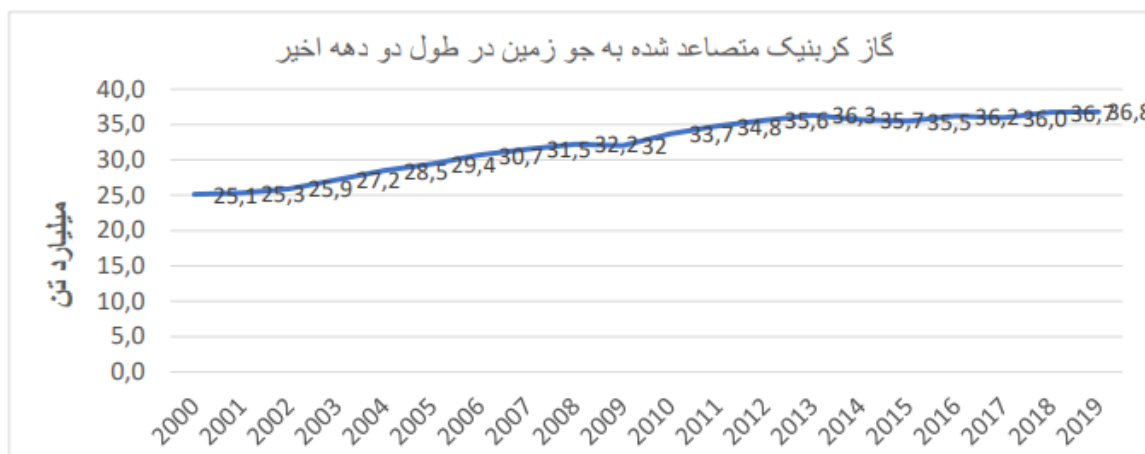


<https://climate.nasa.gov/vital-signs/carbon-dioxide/>

غلظت گاز کربنیک در جو زمین منبع :

نمودار 2 نشان دهنده افزایش مداوم غلظت دی اکسید کربن در اتمسفر (واحد ذره در میلیون ppm) مشاهده شده در رصدخانه Mauna Loa NOAA در هاوایی در طول 60 سال. اندازه گیری گازهای گلخانه‌ای در سال 1959 آغاز شد. منبع: NOAA. داده‌ها تا تاریخ مارس 2019 است و این در حالی است که داده‌های سال 2020 از غلظت 413.3

ذره در میلیون (ppm) در فضای جو زمین حکایت دارد. در سال 2013 غلظت این گاز به میزان 396 ppm یعنی فقط 4 ppm کمتر از مرزی که IPCC آنرا در همین سال نقطه عطفی در تاریخ افزایش این گاز می داند بوده است (141 در صد افزایش نسبت به دوره قبل از آغاز سرمایه داری). قابل توجه اینکه میزان غلظت این گاز که جهت ثابت نگهداشتن وسعت تخریبات آن، از جمله 2 درجه افزایش گرمای زمین در نظر گرفته شده است 450 ppm در جو در سال 2100 است.



Annual total CO<sub>2</sub> emissions Global Carbon Budget 2020

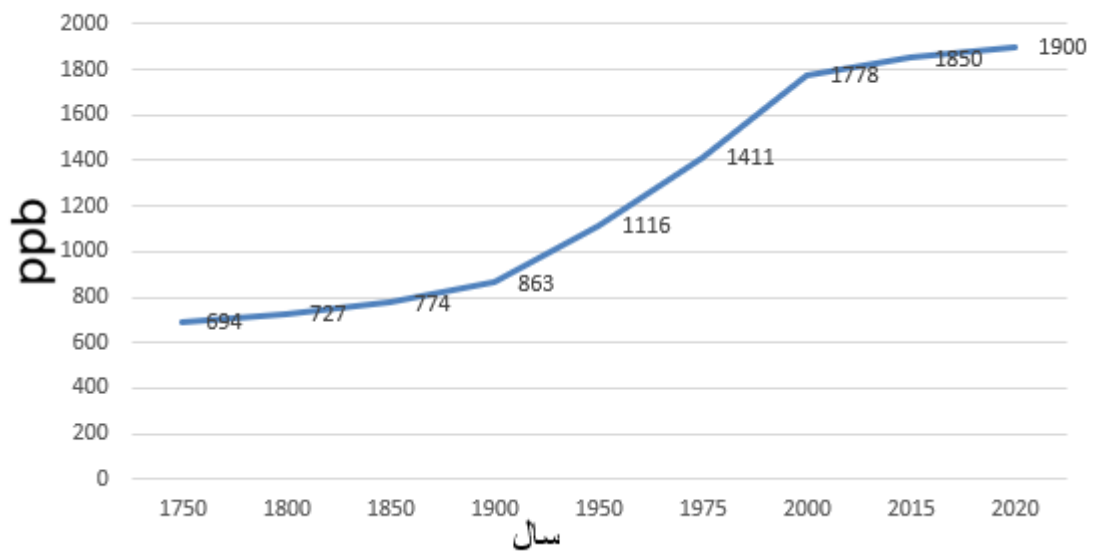
نمودار 3 مقدار گاز کربنیک متصاعد و جذب شده در جو زمین در دو دهه اخیر علاوه بر گاز کربنیک گاز متان نیز روندی تصاعدی دارد و بر حجم آن در فضا افزوده می گردد. در سال 2019 میزان گاز های گلخانه ای در جو زمین به نسبت نمودار زیر بوده است :



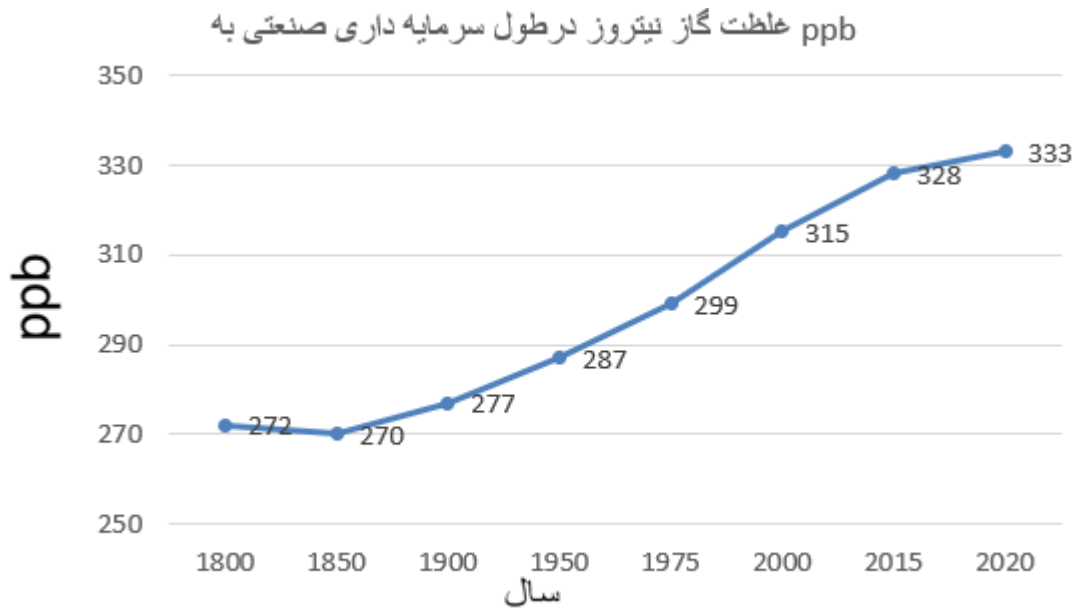
<https://www.epa.gov/ghgemissions/inventory-us-greenhouse-gas-emissions-and-sinks>

نمودار 4 درصد هر یک از گاز های گلخانه ای مهم که تاثیر بسزایی در گرمایش زمین دارند را در سال 2019 نشان می دهد. در ادامه به تشریح هر یک از آن ها از نظر مقدار و غلظت در طول زمان می پردازیم. در کنفرانس گلاسکو نظیر سایر تجمعات مدیران سرمایه به هیچ یک از این گاز ها پرداخته نمی شود و وانمود می گردد که اکثریت توده های جهان هیچ مشکلی جز مقداری گاز کربنیک که آن هم با درایت مدیران سرمایه و دولت مداران آن رفع خواهد شد!!

## غلظت گاز متان به ppb



نمودار 5 میزان غلظت گاز متان بر اساس ذره در میلیارد هوای خشک (ppb) از داده های سه مرکز اندازه گیری جهانی بین سال های 1750 تا 2020. غلظت این گاز در سال 2015 یعنی در مقطع قرار داد پاریس حدود 1850 ذره در میلیارد بود و در سال 2020 به حدود 1900 ذره در میلیارد (ppb) افزایش یافته است. متان یک گاز گلخانه ای قدرتمند است که حدود یک دهه در جو باقی می ماند. بر اساس گزارش اداره ملی اقیانوسی و جوی ایالات متحده (NOAA) حدود 16 درصد از اثر گرمایش گازهای گلخانه ای طولانی مدت را متان تشکیل می دهد. تقریباً 40 درصد متان توسط منابع طبیعی (به عنوان مثال ، تالاب ها ، مناطق جنگلی که فاقد درخت گردیده اند و تندرا های سیبری که بر اثر افزایش گرما نوب می شوند) به جو منتشر می شود و حدود 60 درصد از منابع سرمایه ای (به عنوان مثال ، نشخوارکنندگان ، کشاورزی برنج ، بهره برداری از سوخت های فسیلی ، محل های دفن زباله و سوزاندن زیست توده) تأمین می شود. این افزایش از 2019 تا 2020 بیشتر از سال 2018 تا 2019 و همچنین بالاتر از میانگین نرخ رشد سالانه در دهه گذشته بوده است.

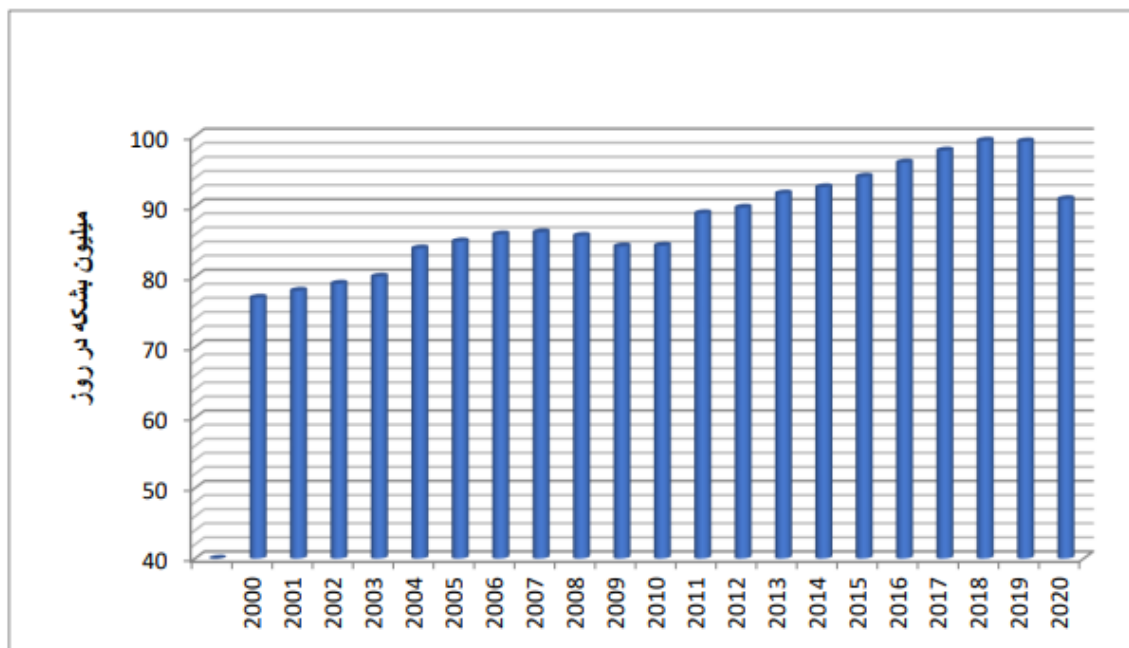


نمودار 6 غلظت گاز نیتروز در طول رشد انباشت سرمایه را نشان می دهد. اکسید نیتروژن یا نیتروز (Nitrous gas) هم یک گاز گلخانه ای قوی است و هم شیمیایی از بین برنده ازن جو زمین که محافظت کننده انسان و بسیاری جانداران در مقابل نور فرا بنفش خورشید که از امواج الکترو مقناطیسی است. حدود 7 درصد از تشعشعات ناشی از گازهای گلخانه ای طولانی مدت را تشکیل می دهد.  $N_2O$  از منابع طبیعی و منابع کشاورزی و صنعتی از جمله اقیانوس ها ، خاکها ، سوزاندن زیست توده ، استفاده از کود و فرآیندهای مختلف صنعتی نظیر نفت و گاز و پتروشیمی ها به جو منتشر می شود. میانگین جهانی کسر خالص  $N_2O$  در سال 2020 به 333.2 ppb رسید که نسبت به سال 2019 1.2 ppb افزایش یافته است. افزایش سالانه از 2019 تا 2020 بیشتر از افزایش از 2018 تا 2019 و همچنین بالاتر از میانگین نرخ رشد بیش از 10 سال گذشته (0.99 ppb در سال) بوده است. انتشار جهانی  $N_2O$  ناشی از کشاورزی صنعتی سرمایه داری ، که تحت تأثیر افزودن نیتروژن به زمین های زراعی است، طی چهار دهه گذشته 30 درصد افزایش یافته است. کشاورزی صنعتی، به دلیل استفاده از کودهای نیتروژنی و کود دامی، 70 درصد از کل انتشار  $N_2O$  را تشکیل می دهد. این افزایش عمدتاً مسئول رشد بار جوی  $N_2O$  بوده است. غلظت اکسید نیتروژن در سال 2015 حدود 327 ذره در میلیارد بود که بعد از این تاریخ هر سال 1 ppb بر غلظت آن افزوده گردیده است. اکسید ازت 310 برابر بیشتر از گاز کربنیک گرما را به خود جذب می کند و به این ترتیب عامل مهمی در بالا رفتن گرمای زمین است. مقدار تأثیر آن بر افزایش حرارت زمین بین 4-6 درصد تخمین زده می شود.

حال اگر این سه گاز گلخانه ای را با توجه به اثر گرمایی آن ها بر روی هم در نظر آوریم و واحد های متان و اکسید نیتروژن را بر اساس تأثیر گذاری گاز کربنیک بر افزایش گرمایش زمین بیافزاییم غلظتی نظیر 420 (ppm) در سال 2020 بدست می آید. باید توجه داشت که بخار آب که حدود 75 درصد جو زمین را تشکیل می دهد نیز تأثیر گرمایی بین 36 تا 70 درصد بین گازهای گلخانه ای دارد. متان (Methane) گازی است که بعد از گاز کربنیک مهمترین عامل افزایش درجه حرارت زمین است. مقدار این گاز در جو زمین بعد از آغاز سرمایه داری صنعتی (1800 میلادی) بیش از دو برابر شده و تأثیر آن بر افزایش حرارت زمین از میان کل گازهای گلخانه ای حدود 20 درصد است. گاز متان 23 برابر بیش از گاز کربنیک می تواند حرارت را به خود جذب کند ولی طول عمر آن در جو زمین حدود 10-15 سال است. مقدار تأثیر این گاز بر افزایش حرارت زمین بین 4-9 درصد است. علاوه بر این سه گاز گلخانه مهم گاز های دیگری نیز بر مقدار شان سالانه در جو زمین افزوده می گردد که در این جا بدلیل اهمیت کمتر آن ها وارد این محاسبات نشده ایم. گاز هایی نظیر اوزون (Ozone) که تأثیر منفی آن از طریق جذب نور ماورا قرمز زمین است که در این گذر بالغ بر 3 تا 6 درصد

حرارت زمین را افزایش می دهد. سایر گاز های گلخانه ای که از کارخانه ها، روندهای تولید و نگهداری سردخانه ای به جو زمین فرستاده می شوند ترکیبات فلور (Fluor) هستند. میزان آنها کم (1.5 درصد) ولی تاثیری بس مخرب دارند. گازهای فلور دار بطور طبیعی وجود نداشته اند و صنعت مدرن سرمایه داری آن هارا تولید کرده است. این گازها 22000 برابر موثر تر از گاز کربنیک گرمای ساطع از زمین را بخود جذب می کنند. علاوه بر این بسیار پایدارند و می توانند هزاران سال در جو زمین باقی بمانند. عوامل و مراکز تصعید آنها عبارتند از: HFCs یخچالها، تهویه و سرد خانه ها، SF6 صنایع الکترونیک، PFCs تولید آلومینیم و صنایع الکترونیک، CFCs یخچالها و دستگاههای تهویه هستند.

حال به منبع اصلی تولید گاز کربنیک که این همه بحث برانگیز شده و نماینده ها، مدیران و دولت های سرمایه داری در این کنفرانس بخصوص انگشت اتهام بسوی یکدیگر بعنوان مجرم اصلی، روانه می کنند باز گردیم. بوریس جانسون نخست وزیر بریتانیا وانمود می کند بزرگترین حامی محیط زیست است و شبانه روز در فکر چاره اندیشی در این زمینه می باشد. او فراموش می کند و مطمئنا عمدا فراموش می کند که نخست وزیر دهه 80 بریتانیا مارگارت تاچر به دلیل پر هزینه بودن استخراج ذغال سنگ و رو به پایان بودن یکی از بدترین سوخت های فسیلی چندین هزار کارگر معدن را روانه جهنم فقر و بیکاری کرد و این نه از سر طبیعت پرستی او بلکه منافع اقتصادی و سود سرمایه اجتماعی بریتانیا ایجاب می کرد تا دست به این کار زند. علاوه بر این که بریتانیا اولین کشور تولید کننده ذغال سنگ، نفت و گاز در جهان سرمایه بوده چرخش تاچر به سوی بریتیش پترولیوم بود. لذا سرمایه داری بریتانیا تصور می کند حافظه کارگران جهان کوتاه است و فراموش کرده اند که بیش از صد سال این امپراطوری بزرگترین تخریب کننده محیط زیست انسان ها و کل طبیعت بوده و هنوز نیز چنین است. اشک های تمساح مرکل صدراعظم آلمان، بایدن، پوتین، مکرون و غیره نیز می ریزند. سرمایه داری آلمان بیش از یک صده است تولید کننده و خود مصرف کننده بدترین نوع سوخت های فسیلی بود و هم اکنون نیز وارد کنند مهم گاز روسیه از طریق پروژه های استریم 1 و 2 می باشد. رئیس جمهور چین رقابت بر سر افزایش گازهای گلخانه ای با سرمایه داری امریکا را سهم چین که دیر تر پا به عرصه انکشاف سرمایه داری گذارد می داند، که تا 40 و 50 سال دیگر فرصت دارد تا به مدارج امپراطوری های بریتانیا و امریکا در این زمینه برسد. همین دلایل را سایر سرمایه داری های بزرگ نظیر هند، استرالیا و برزیل ردیف می کنند. مبانی آن چه مدتی است «عدالت زیست محیطی» نام گرفته نیز چانه زنی سرمایه های اجتماعی مختلف بر سر سهم اضافه ارزش های تولید شده توسط طبقه کارگر جهانی و کاهش هزینه های سرمایه است. هیچ عدالتی بین کارگران و سرمایه داران وجود ندارد، جناح های بورژوازی هر چند بر سر سهم بری از ارزش اضافی و شرکت در حاکمیت نظام با هم اختلاف دارند، اما در بهره کشی و استثمار کارگران متحد هستند و اساس حقوق و عدالت روابط تولیدی سرمایه داری نیز این است. مقوله «عدالت» در جامعه سرمایه داری به همان اندازه غیرواقعی و دروغ است که ادعای خرید «کار» توسط سرمایه دروغ است. این مقوله به همان میزان جعلی است که ترجمان طبقه سرمایه دار از آزادی، عدالت، انسانیت، برابری و کل مفاهیم حقوقی و اخلاقی و انسانی، جعلی است. بنیاد هستی سرمایه بر استثمار نیروی کار استوار است و نگاه سرمایه به جهان و جامعه و انسان و همه پدیدارهای زندگی انسانی از ژرفنای مصالح و شروط بازتولید همین استثمار نیروی کار سرچشمه می گیرد. هیچ عدالت مشترکی بین سرمایه دار و کارگر وجود واقعی ندارد، این مقوله دروغینی است که طبقه سرمایه دار آن را خلق کرده تا به صورت سلاحی نیرومند علیه طبقه کارگر و جنبش ضد سرمایه داری این طبقه به کار گیرد.

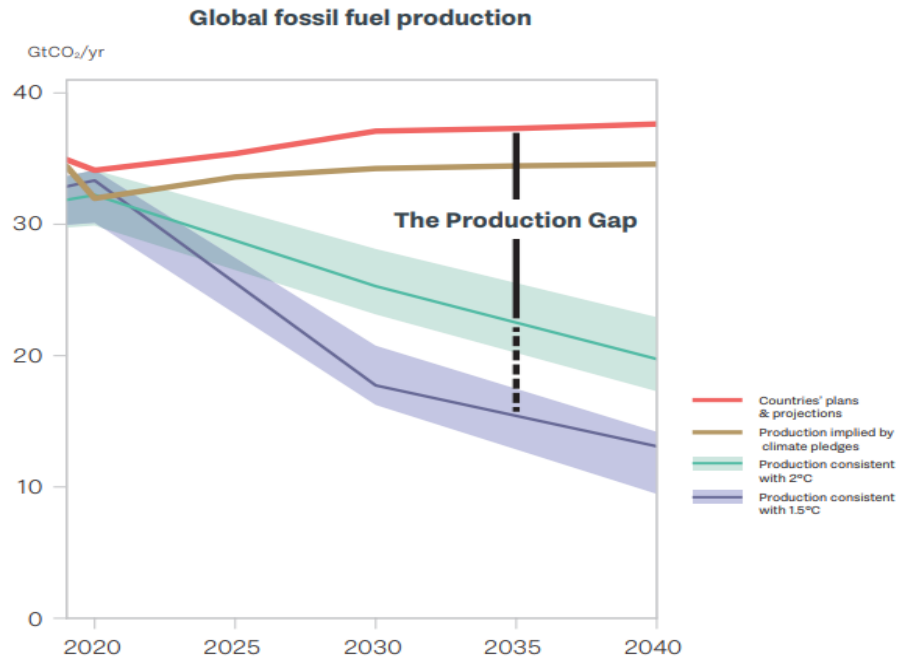


متوسط تولید روزانه نفت جهان در دو دهه اخیر

نمودار 7 تا زمانی که منابع عظیم نفت با هزینه تولید کم در جهان وجود دارد عطش سرمایه به ماده خام سرمایه ای سیری ناپذیر است. کاهش ناچیز تولید نفت در سال 2020 کاملاً موقتی بود و اکنون ولع سرمایه موجب افزایش روزانه قیمت این کالای اساسی گردیده است. بهمین دلیل طبق برآورد ها تصاعد گاز کربنیک به جو زمین در سال 2020 ، 4 درصد نسبت به سال 2019 کاهش داشته است (بیشترین کاهش سالانه بعد از جنگ دوم امپریالیستی) با این ترتیب به میزان 35.33 میلیارد تن یعنی به حدود سال 2017 باز گشته است. این خود بر اثر توقف و یا کاهش بسیاری تولید ها، کاهش ترانسپورت و کل حمل و نقل ها بر اثر کووید 19 و کاهش مصرف سرمایه ای نفت و گاز بوده است. این بار دیگر گواه توقف تولید این مواد اولیه و بسیاری کالاها دیگر بعنوان تنها چاره تخریبات زیست محیطی است و معنای دیگری جز توقف تولید سرمایه داری، لغو کار مزدی توسط شوراهای ضد سرمایه داری کارگری ندارد.

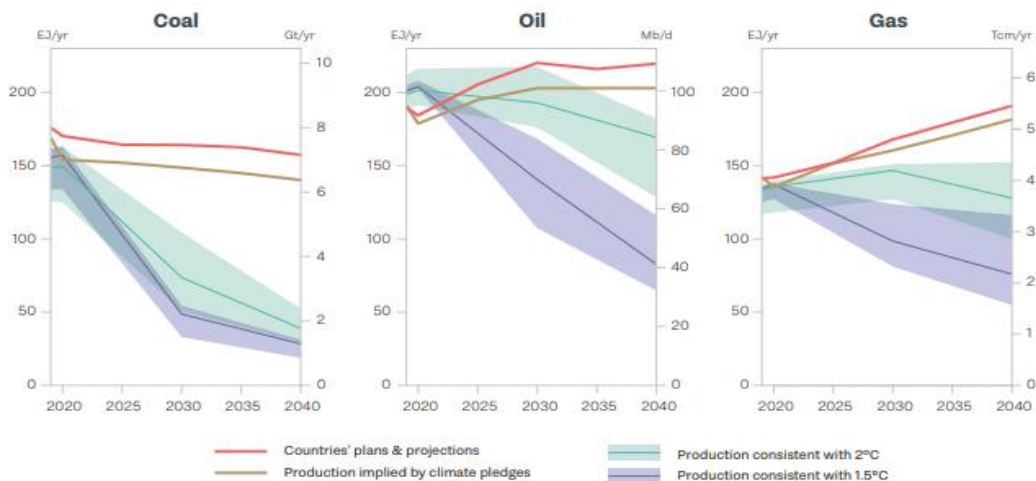
گزارش شکاف تولید (The Production Gap) که برای اولین بار در سال 2019 ارائه شد، تفاوت بین برنامه ریزی دولت های سرمایه داری برای تولید سوخت فسیلی و سطح تولید جهانی مطابق با محدود کردن گرمایش به 1.5 درجه سانتی گراد یا 2 درجه سانتی گراد را پیگیری می کند. پژوهشگران برنامه محیط زیست سازمان ملل UNEP بینش هایی را از تجربیات خود در زمینه گزارش های دیگر شکاف تولید ارائه می کنند. آن ها می گویند دولت ها قصد دارند بیش از دو برابر میزان سوخت های فسیلی در سال 2030 نسبت به محدود کردن گرمایش تا 1.5 درجه سانتی گراد تولید کنند. شکاف تولید از اولین تجزیه و تحلیل ما در سال 2019 تا حد زیادی بدون تغییر باقی مانده است و دو سال بعد ، با روشن تر و فوری تر شدن بحران آب و هوا ، دولت های سرمایه همچنان بر استخراج زغال سنگ ، نفت و گاز بیشتر ادامه می دهند. اکثریت قریب به اتفاق تولیدکنندگان عمده نفت و گاز در حال برنامه ریزی برای افزایش تولید تا سال 2030 یا بعد از آن هستند و چندین تولیدکننده عمده زغال سنگ در حال برنامه ریزی برای ادامه یا افزایش تولید هستند زیرا پیش بینی می کنند که نیاز سرمایه جهانی به انرژی و سوخت های فسیلی که بسیار ارزانتر از سایر منابع انرژی است، افزایش خواهد یافت. کشورهای G20 از ابتدای همه گیری کووید -19 کمک های مالی بیشتری به سوخت های فسیلی اختصاص داده اند تا انرژی پاک.





The Production Gap: 2021 Report

نمودار 8 شکاف تولید سوخت فسیلی- تفاوت بین تولید جهانی سوخت های فسیلی که توسط برنامه های دولتها (خط قرمز) پیش بینی شده است و با مسیرهای گرمایش 1.5 درجه سانتیگراد و 2 درجه سانتیگراد (خطوط آبی و سبز) مطابقت دارد. در انتشار دی اکسید کربن (CO<sub>2</sub>) که هنگام سوختن سوخت های استخراج شده آزاد می شود همچنان زیاد است.



4 The Production Gap: 2021 Report

نمودار 9 گاف زنی دولت های سرمایه و عمل آن ها دو چیز متفاوت را نشان می دهد. برنامه ریزی دولت ها در مجموع از افزایش تولید جهانی نفت و گاز و فقط کاهش ناچیز تولید زغال سنگ را در دو دهه آینده حکایت دارد. این منجر به تولیدات آتی بسیار بالاتر از آنهایی می گردد که در کنفرانس پاریس 2015 همین دولت ها توافق کردند که با محدود کردن گرمایش به 1.5 درجه سانتی گراد یا 2 درجه سانتی گراد توافق کردند. در همین مدت میان سال 2015 تا 2021 نیز شارلاتانیسم دولت های سرمایه چون دم خروس از لای عبای روباه نمایان بود. مقیاس های این نمودار در چهار مسیر از

سال 2019 تا 2040 نمایش داده شده و واحدهای فیزیکی به عنوان محورهای ثانویه نمایش داده شده اند: میلیارد تن در سال (Gt/سال) برای زغال سنگ، میلیون بشکه در هر روز (Mb/d) برای نفت و تریلیون متر مکعب در سال (Tcm/سال) برای گاز. این در حالی است که عمده ترین تولید کنندگان و مصرف کنندگان زغال سنگ در آستانه کنفرانس گلاسکو اعلام کردند که قصد ندارند از تولید و مصرف سرمایه ای این کثیف ترین و مخرب ترین ماده اولیه انرژی که قریب 170 سال است تولید و مصرف می شود دست بشویند. دولت سرمایه چین اعلام کرد حداقل تا سال 2060 به این روند ادامه می دهد و دولت سرمایه هند نیز پا را از این هم فراتر گذارد و سال 2070 را حداقل استخراج و مصرف سرمایه ای زغال سنگ قرار داد همزمان دولت سرمایه استرالیا یعنی بزرگترین تولید کننده زغال سنگ جهان هیچ تاریخی جهت انحصار تولید زغال سنگ اعلام نکرد و کنفرانس سران 200 کشور لام تا کام حرفی برای گفتن نداشتند!! بنابراین تخمین های انیستیتوهای سرمایه که در نمودار های 8 و 9 تا سال 2040 مشخص شده باید بیش از این باشد و سناریوی 4 درجه گرمایش زمین نسبت به دوره انکشاف سرمایه داری صنعتی واقعی است. قرار هم نبوده که اینان حرفی و عملی برای تغییر وضع فاجعه بار زندگی ما داشته باشند. حرف آن ها یا هر صاحب سرمایه و دولت مرد سرمایه داری نه کمبود اطلاع از وضع اسفبار فجایع زیست محیطی که مسأله بنیادی دیگری است. سخن دل یا منشور شعور فراجوشیده از هستی اجتماعی کل سرمایه داران و دولت آنها این است که نه تنها قبله عالم، روزی رسان، ممد حیات، منشاء معاش، ضامن جان، کلید زندگی بشر سرمایه است بلکه حلال مشکلات خود آفریده نیز همین نظام جهانی، دولت های آن و انیستیتوهای رنگارنگ و نشست های سالانه آن ها است. و ما کارگران اگر زندگی می خواهیم، اگر محیط زندگی غیر آلوده انتظار داریم، اگر حتی برای نان شب، داشتن سر پناه، آینده ای برای فرزندان خود جستجو می کنیم، باید به فکر خلاصی از کارگر بودن باشیم. باید شالوده پیکار را بر نمی خواهیم کارگر باشیم، نمی خواهیم تولید کننده اضافه ارزش باشیم، می خواهیم بر سرنوشت کار، تولید و زندگی خود مسلط گردیم. باید پا بر زمین کوبیم و چرخ تولید هر آن چه که زندگی ما را به خطر انداخته و بلای جانمان شده را متوقف نماییم!! تا زمانی که ما ساکت هستیم و تا وقتی که دورنمای اعتصاب، اعتراض و شورش ما مزد بیشتر است، تا وقتی که از سرمایه زندگی مبرا تر از آلاینده ها می خواهیم و امید خود را به جلسات، پارلمان ها و های وهوی سرمایه داران آویخته ایم، پاسخ سرمایه به ما همین است که تاکنون بوده و از این نیز فاجعه بار تر خواهد شد.

اکنون به موضوعی باز گردیم که در این کنفرانس ها با تقسیم «مدال های افتخار» به برخی از دولت های سرمایه و تف و لعنت به برخی دیگر آغاز شد.

در شاخص حفاظت از آب و هوا در سال آینده که توسط دو موسسه (اقلیم جدید و توجه آلمانی) منتشر شده کشور های نروژ، سوئد و بریتانیا به ترتیب در صدر جدول کشورهایی هستند که سیاست زیست محیطی خوبی را اجرا می کنند!! ببینیم این در واقعیت چگونه است.

### Germanwatch و New Climate

این در حالی است که سوئد طبق گزارش سازمان محافظت طبیعت این کشور سالانه به اندازه کل دی اکسید کربن تولید شده توسط خودرو های کوچک و شخصی موجود این کشور (حدود 5 میلیون خودرو شخصی) همین مقدار گاز کربنیک را از مناطقی که درختان جنگلی آن بوسیله حوزه جنگل سرمایه اجتماعی آن قطع می شوند، به فضای زمین می فرستد و علاوه بر این مقدار زیادی گاز متان از این مناطق ساطع می شود. و این مقدار حدودا 13 درصد کل گاز کربنیک ساطع شده سالانه این کشور است. علاوه بر این سوئد سالانه مقدار زیادی پوده یا تورب (پوده یا تورب به توده متر اکم قهوه ای تا سیاه رنگ خزه ها و گیاهان که به طور ناقص تجزیه شده اند گفته می شود. پوده معمولاً در زمین های بسیار مرطوب و در مناطق معتدل و سردسیر جهان به وجود می آید و به عنوان سوخت به کار می رود، پوده مرحله نخست تشکیل زغال سنگ است که از غلظت کربن زیادی برخوردار می باشد، این توده در مسیر تکامل خود علاوه بر گاز کربنیک گاز متان نیز تولید می کند)، که به کشور های همسایه نظیر فنلاند و نروژ و سایر کشورهای اروپایی صادر می کند. علیرغم این واقعیت که تشکیل جدید تورب بسیار سریعتر از سوخت های فسیلی مانند زغال سنگ، نفت و گاز طبیعی صورت می گیرد، اما در بسیاری از زمینه ها دارای مقادیر زیادی کربن ذخیره شده است. در یک چشم انداز

زمانی تا چند صد سال، مطالعات نشان می دهد که انتشار گازهای گلخانه ای از ذغال سنگ نارس (تورب) با انتشار گازهای فسیلی مطابقت دارد. بنابراین، احتراق ذغال سنگ نارس (تورب) بر خلاف سایر سوخت های فسیلی انتشار خالص دی اکسید کربن می دهد. طبقه بندی تورب بین سیستم تولید برق سوئد، سیستم تجارت انتشار دی اکسید کربن اتحادیه اروپا و مذاکرات بین المللی آب و هوا در سازمان ملل متفاوت است. هم بر اساس سوئد و هم بر اساس پتل آب و هوای سازمان ملل، ذغال سنگ نارس به عنوان سوخت فسیلی طبقه بندی می شود. اما در قوانین سوئد جزو منابع انرژی تجدیدپذیر گنجانده شده است. طبق گفته آژانس انرژی سوئد، ذغال تورب در کلاس "سوخت های دیگر" قرار می گیرد که از مالیات بر انرژی و کربن معاف است. میزان درصد انرژی سالیانه سوئد، فنلاند و ایرلند از منبع تورب بالاترین در جهان است. فنلاند 7 درصد، ایرلند 5 درصد و سوئد 0.7 درصد است اما فراموش نکنیم که سوئد تامین کننده مقدار زیادی از تورب مورد نیاز فنلاند، نروژ و هلند است. بین سال 2019 تا 2020، عملکرد تورب کشت شده سوئد 19.7 درصد افزایش یافته است و از 1.6 به 1.9 میلیون متر مکعب رسیده است. این بالاترین مقدار اندازه گیری شده برای تورب کشت شده از زمان شروع اندازه گیری است. افزایش تقاضا به ویژه در خارج از کشور وجود دارد که در آن صادرات تورب کشت شده 13 درصد در مدت مشابه افزایش یافته است. این در حالی که سوئد از هیچ منبع دیگر سوخت های فسیلی برخوردار نیست اما صنایع انرژی و جنگل داری آن از پیشرفت های بالای بار آوری کار برخوردارند که سهم سود سرمایه اجتماعی این کشور از نرخ متوسط سود جهانی بالا می برد. استفاده از آفت کش های مختلف در جنگلداری سابقه ای طولانی دارد. قبل از این که حوزه جنگلداری سوئد وارد فاز گسترده استفاده و بهره برداری صنعتی پیشرفته در این زمینه گردد یعنی حدود دهه های آخر 1800 کارگران این شرکت ها با اره و تیر در گروه های چند صد نفره به جان درختان عظیم الجثه جنگل ها می رفتند زیرا سرمایه داران این حوزه پیش ریز سرمایه بخوبی می دانستند که درخت های تنومند و قدیمی محتوی فیبر های با کیفیت بالای جهت نجاری، ساختمان سازی چوبی، تولید خمیر کاغذ و غیره هستند.

همزمان با اولین ماشین های خودرو و وسایل خودرویی که قادر بود در مناطق سخت جنگلی بار آوری کار را به درجه بالایی افزایش دهد ظهور کرد. در خلال جنگ امپریالیستی دوم نیاز سرمایه های اروپایی به چوب، ذغال و محصولات آن افزایش نجومی یافت. در این جا بود که تولید انبوه محصولات جنگلی راه چاره بود و جنگل در خود موانعی جهت گسترش تکنیک قطع درختان، حمل آن ها به کارخانجات و حتی کاشت جوانه های جدید، داشت. یکی از این موانع رشد بی کنترل و بی انقضای گیاهان برگدار، بوته ها و کل گیاهانی بود که مصرف سرمایه ای به شیوه حوزه جنگلداری سرمایه ای نداشتند. اولین چیزی که توده مردم جنگل امروز را با ذکر کلمه آفت کش مورد توجه قرار می دهد، علف کش های بحث برانگیز، فنوکسی اسیدها، در برابر گیاهان برگدار یا حشره کش، ددت است در برابر حشرات با این حال، استفاده از آفت کش ها زودتر از اواخر دهه 1940 انجام شد و هدف نه کاملاً متفاوت بلکه در حوزه دیگر از سرمایه داشت. باید به این نکته اشاره کرد که استفاده در مقیاس بزرگ تنها زمانی به وجود آمد که شرکت های جنگلداری مقیاس بزرگ نورلند (شمال سوئد) شروع به بازسازی جدی برای از بین بردن پوشش گیاهی با محلول کلرات انجام داد در اوایل دهه 1950 کردند. آزمایش های بیشتری روی سایر مواد زیست کش انجام شد. کارآزمایی های مستمر در مکان های دیگر سوئد در چند سال بعد با نتایج رضایت بخش از نظرگاه انیستیتو های کشاورزی و جنگلداری سرمایه، انجام شد. در اوایل سال 1944، تلاش هایی برای جلوگیری از تشکیل شاخه های کنده در غان با انواع مختلف مواد شیمیایی مانند سدیم آرسنیت، کلرات سدیم و پنتا کلروفلن سدیم (تمامی این مواد شیمیایی بسیار خطرناک برای انسان و جانورانند) انجام شد. آزمایشات 1948 با مشتقات هورمونی نظیر **(2,3,7,8-Tetraklordibenso-p-dioxin – TCDD)** و

**(polychlorinated biphenyl (PCB)\*)** و **(-methyl-4-chlorophenoxyacetic acid (MCPA))** سپس در درجه اول فنوکسی اسیدها آغاز شد. از اوایل دهه 50، اینها با موفقیت برای کنترل علفهای هرز در کشاورزی مورد استفاده قرار گرفتند و به این ترتیب با سکوت کارگران سرمایه این حوزه قدمی تهاجمی تر علیه طبیعت به پیش برداشت. مزیت مشتقات هورمونی انتخابی بودن آنهاست، یعنی مشتقات مختلف روی گونه های مختلف تاثیر می گذارند.

مشتقات آن شبیه دی اکسین ها ، هورمون رشد است، به این معنی که گیاه کوتاه را مورد حمله قرار می دهد وقتی در معرض مشتقات هورمونی قرار می گیرد، می میرد. و یا برخی دیگر بطور مشخص درختان برگدار و نه انواع کاج ها را هدف می گیرند و خشک می کنند. قوی ترین فنوکسی اسید ها انتخاب شدند و این روند تا سال 1977 ادامه یافت بطوری که در این تاریخ بیشتر جنگل های مورد بهر برداری این حوزه پیش ریز سرمایه بطور عمده جنگل انواع کاج شدند. نیاز به کنترل گیاهان برگدار (انواع درخت توس ، مانند غان، درخت گوشه، نام علمی خانواده توسکایان، راش و بلوط. بیشتر گونه های توس درختانی با اندازه کوچک یا متوسط با عمر کوتاه و بومی قسمت های معتدل و زیرقطبی نیم کره شمالی هستند) محور اساسی این حوزه پیش ریز سرمایه بود.

سازمان صاحبان جنگل ها و شرکت های جنگلی در تاریخ نویسی خود این دوره را چنین توضیح می دهد « نیروی کار که جهت ریشه کن کردن و بریدن درخت ها و بوته های برگی بکار گرفته می شد بسیار زیاد بود و پر هزینه بودن آن مقرون به صرفه جنگلداری نبود. تقاضا برای یکی راه حل ارزان تر برای مشکلات آن چه که «جوان سازی جنگل» نام گرفته بود منجر به آزمایش هایی با اسپری هوایی شد که در سال 1950 در نزدیکی کرامفورس انجام شد. این آزمایش با سه آماده سازی مختلف در سه غلظت مختلف از هلیکوپتر انجام شد و نتیجه فراتر از انتظار بود. آزمایش های مربوط به سمپاشی هواپیما در سال بعد آغاز شد و نتایج خوب آن همچنان ادامه داشت». شرکت های بزرگ جنگلداری اکنون علاقه جدی به این نوع کنترل درختان برگی و باصطلاح "غلف های هرز" را آغاز کرده بودند و واکنش مردم دیری نپایید. توده مردم عناوینی چون «قتل توس در دالارنا»، «پرواز باعث مرگ هورمونی» دادند. اعتراضات توده مردم علیه پاکسازی جنگل ها از گیاهان برگدار کم کم رشد کرد، به جمع شدن توده وسیعی در محل های جنگلی بالای سوئد انجامید، فعالان محیط زیست همراه با توده مردم از تورسبی، فالون و گاوله، از جمله، به شدت با سمپاشی هوایی مخالفت کردند. آنها طرح سمپاشی را از زمین دنبال کردند، در طول شناسایی تماس رادیویی را حفظ کردند و فرودگاه ها و باندهای استتار شده را در جنگل پیدا کردند و در اعتراض در سال 1976 خود را در آنجا بر درختان زنجیر کردند. مقامات دولتی و شرکت های جنگلداری یک صدا می گفتند سودآور است و خطرناک نیست. گروه حفاظت از محیط زیست تورسبی این وظیفه را بر عهده گرفت و پیشرو جنبش مدرن زیست محیطی شد. توده عموماً کارگری تورسبی شروع به جمع آوری شهادت از مردم منطقه برای "گزارش سرطان" کرد. 25 صفحه کاملاً نوشته شده در مورد چگونگی زندگی در مجاورت مناطق سمپاشی شده و کار با سم می گوید. شواهدی از حیوانات مرده و افرادی که بیمار شده اند وجود دارد. تنفر از بکار بردن چنین روشی بیشتر شد. هنگامی که زمان روزهای محیط زیست در تورسبی در ژوئن 1977 فرا می رسد، جنبش توده های کارگری برای محیط زیست، همراه با برخی نویسندگان، هنرپیشگان تئاتر و آن چه در سوئد معروف به کارگران فرهنگی (kultur arbetare) است از استکهلم و اوپسالا، تحت شعار جنگل را نجات دهید شروع به رشد کرد و روزهای موفقیت آمیزی را تجربه کرد. 6000 نفر در جامعه ای با 3500 سکنه تظاهرات، سخنرانی و تئاتر بود. این اوج حرکت های کارگری علیه فجایع سرمایه بر محیط زیست بود و در سراسر اروپا نیز وضع در چند سال به همین منوال بود. با این وجود این اعتراضات هیچ گاه به یک حرکت اجتماعی-طبقاتی تبدیل نگردید و توده های کارگر سوئد، و نه هیچ کشور دیگری وارد پروسه مبارزه علیه سرمایه و فجایع آفریده آن نشدند، در هیچ کجای جهنم سرمایه کارگران بخاطر محیط زیست خود و آینده فرزندان خود دست از کار نکشیدند و هیچگاه روند انباشت سرمایه، دولت های سرمایه داری را تهدید نکردند. در حواشی همین کنفرانس گلاسکو جوانان خانواده های کارگری در ابعاد چند ده هزار نفری دست به اعتراضات در شهرهای گلاسکو، لندن، پاریس و دیگر شهرهای اروپا زدند اما در هیچ کجا این نیز به یک حرکت توده ای کارگری علیه بنیاد سرمایه داری تبدیل نگردید و همانگونه که گرتا تونبری روز جمعه 12 نوامبر (آخرین روز رسمی کوپ 26) آن را "جشنواره دو هفته ای برای "کسب و کار طبق معمول" نامید!! عملاً صحنه گردان، برنامه ریز و همه کاره سرمایه داران، دولت های آن ها و انیستیتوهای مربوطه بودند. یکبار دیگر سرمایه به کارگران جهان پیام داد که آقای زمین و زمان، روزی دهنده، تعیین کننده امروز و آینده بشر، نه تنها تخریب کننده محیط زیست، طبیعت، از بی برنده جانداران هم اوست، بلکه

برنامه ریز و صحنه گردان شو های هر چند وقت یکبار نیز، می باشد و تا هنگامی که کارگران همه هست و نیست خود را به او سپرده اند چنین خواهد بود. به شرایط زیست محیطی سوئد که نمونه ای از خروار است باز گردیم. از حدود دو دهه پیش این حوزه پیش ریز سرمایه در سوئد به روش دیگری از آفت کش های جدید استفاده می کند زیرا بخش عمده جنگل ها دیگر از گیاهان برگدار تهی شده و از کاج تشکیل شده اند، بسیار در هم هستند و تنها راه هایی که (phenoxyacetic acid) برای بریدن درختان و حمل الوار لازم اند انبوه درختان را برش می دهند. کمپاین هایی در این زمینه بکار می روند نظیر همانی اند که در کشت صنعتی بکار می روند اما بسیار پیشرفته ترند و قابلیت های مختلفی در همان کمپاین وجود دارد که نه تنها برش درخت، پوست کندن، برش الواری و بار کردن بر تریلی هایی با سه باربر، را انجام می دهند بلکه امروزه نسل جدیدی از این کمپاین ها وارد عرصه تولید شده اند که علاوه بر وظایف فوق مانند خرچنگ 8 پا دارند. هر چهار پا در طرفین زمین را شیار می کنند، در نوبت بعد نشا می کارند و کود می دهند. به این ترتیب از نیروی کار بسیار کمی با بارآوری بسیار بالا بهره می برند.

منابع

<https://www.epa.gov/ghgemissions/inventory-us-greenhouse-gas-emissions-and-sinks>

<https://ourworldindata.org/co2-and-other-greenhouse-gas-emissions>

<https://public.wmo.int/en/media/press-release/greenhouse-gas-bulletin-another-year-another-record>

<https://www.svt.se/nyheter/utrikes/otillrackliga-klimatloften-leder-till-temperaturhojning-pa-2-7-grader>

<https://climate.nasa.gov/vital-signs/carbon-dioxide/>

<https://www.ednh.news/world-lost-100-million-hectares-of-forest-in-two-decades-un/>

<https://www.svt.se/nyheter/vetenskap/skogbiologen-sebastian-kirppu-snart-ingen-riktig-skog-kvar-i-landet>

<https://skyddaskogen.se/svt-vetenskapens-varld-slaget-om-skogen/>

<https://skyddaskogen.se/det-finns-fortfarande-de-som-ar-utan-rostratt/>

حسن عباسی  
دسامبر 2021